

## پیشگفتار

مجموعه ای که در اینجا فراهم گردیده تنها بخش کوچکی است از آنچه انگلس در رابطه با سرمایه ی مارکس نگاشته است. برای بیش از نیم قرن، فعالیت خلاق انگلس با کارهای مارکس عجین بود. مکاتبات بنیانگذاران مارکسیسم سهم بی نهایت فعال انگلس را در تکمیل برخی از مهمترین مسائل سرمایه نشان می دهد. و نشان می دهد که وی با راهنمایی هایش، با اطلاعات وسیع و واقعی اش و با نکات انتقادی و قابل توجهش مددکار دانی مارکس بوده است. تعداد زیادی از آثار انگلس وقف گسترش و تحکیم موضوعات پایه ای دکتترین مارکسیسم گردید. همکاری شخصی انگلس طی سال های طولانی با مارکس سبب نشر کارهای عظیمی گردید از جمله دو جلد آخر سرمایه که مارکس دستخط های آنها را بجا گذاشته بود، چاپ جدید جلد اول سرمایه و تعداد زیادی از نوشته های دیگر مارکس توسط انگلس طبع گردید. تعدادی از مقدمه ها و پیشگفتارها که توسط انگلس روی آثار منتشر شده ی مارکس نوشته شده به دفاع از دکتترین مارکس بر علیه دشمنانش اختصاص یافت.

\*

\*

\*

اولین بخش این مجموعه شامل سه مرور بر جلد اول سرمایه است. پس از انتشار اولین چاپ جلد اول در سال ۱۸۶۷، یکی از وظایف مارکس و انگلس درهم شکستن توطئه ی سکوتی بود که سرمایه داری امید داشت با آن دکتترین مزبور را که آنقدر مورد نفرتش بود از میان بردارد و توطئه واقعی سکوت با ظهور کتاب نقدی بر اقتصاد سیاسی که در سال ۱۸۵۹ طبع گردید، بوجود آمد. چنین سرنوشتی نیز در

انتظار جلد اول کتاب سرمایه بود. تلاشی عظیم توسط همکاران مارکس و در درجه ی اول انگلس به عمل آمد تا نقشه ی مزبور عقیم بماند. مطبوعات کارگری در آن زمان بسیار ناتوان بودند. فقط می شد به طریقی پیچیده از راه مطبوعات عمومی، که در آن زمان همه در دست سرمایه داری بود، علاقه ی خواندگانی را که می توانستند در نشر این عقاید کمک نمایند جلب نمود. انگلس ناچار بود که تبجر خارق العاده ای از خود نشان دهد تا بر عدم اعتماد سردبیرهای روزنامه های سرمایه داری غلبه نماید. او چند نقد مختلف بزبان اوزپ «Aesopian» نگاشت زبانی که به همان اندازه ماهرانه بکار رفته بود که مثلاً انقلابی های روسیه در زمان روسیه تزاری و سانسور آن بکار می بردند سانسورهای که از روح طبقاتی سردبیران بورژوا مآب سرچشمه می گرفت کار را به جایی رساند که برخی از نوشته های انگلس چاپ نشود و پاره ای نیز تحریف گردد.

سه نقد از نه نقدی که انگلس در مورد جلد اول سرمایه نگاشت در این مجموعه آمده است. اولین بررسی در شمارهای ۱۲ و ۱۳ مجله ی دموکراتیش و خنبلات «**Demokratisches Wochenblatt**» به تاریخ ۲۱ و ۲۸ مارس ۱۸۶۸ چاپ گردید. که یک نشریه ی سوسیالیستی بود و زیر نظر ویلهلم لیبنکخت در لایپزیک طبع می شد. بررسی دوم به سردبیری مجله مترقی بورژوائی آن زمان راینش زایتونگ «**Rheinische Zeitung**» مجله رنانی ها که توسط دوست مارکس کوگلمان «**Kugelmann**» منتشر می شد فرستاده شد، کوگلمان کسی است که نقشی اساسی در سازمان دادن نقد و بررسی بر کتاب سرمایه داشته است. این بررسی در آن زمان چاپ نگردید. نقد سوم برای فورتناتیلی رویوی انگلیسی (**Fortnightly Review**) نوشته شده بود، که در آن زمان پروفیسور بیسلی «**Bee sly**» روشنفکر مترقی (رئیس کنفرانس بین المللی که در سال ۱۸۶۴ در آن اولین انترناسیونال اعلام گردید) نقش به سزائی داشت. انگلس این نقد را با نام مستعار ساموئل مور «**Samuel Moore**» که نام یکی از دوستانش بود امضاء

نمود. فقط قسمت اول مقاله نگاشته شده بود، نتیجه آن بایستی در دنبالش می آمد. به هرحال ناشر و صاحب امتیاز روزنامه با چاپ آن مخالفت کردند و به همین خاطر بررسی مزبور هیچگاه چاپ نشد.

دومین قسمت این مجموعه شامل مختصری از جلد اول سرمایه است که توسط انگلس نگاشته شده است. انگلس در کار مارکس بر سرمایه نقشی فعال به عهده گرفت. مارکس نسخه های جداگانه ای از جلد اول را همانطور که به طبع رسیده بود برای انگلس می فرستاد، و انگلس نظریات خود را به دقت بر هر بخش و هر نسخه می نوشت. همین که جلد اول کتاب به طبع رسید انگلس کار تلخیص آن را شروع کرد، او در نامه ای به مارکس به تاریخ ۱۷ آوریل ۱۸۶۸ نوشت.

«من وقت کمی برای اینکار می توانم اختصاص بدهم و تلخیص کتاب شما بیشتر از آنچه که فکر می کردم کار می برد؛ و بعد از همه ی اینها چون اینکار را به عهده گرفته ام باید آنرا به تمام و کمال برسانم و البته اینکار را فقط اختصاصاً برای موقعیت فعلی انجام نمی دهم.» منظور انگلس از اشاره به «موقعیت فعلی» ظاهراً نوشتن مقاله ای در «فورت ناتیلی رویوی» بوده است. نگاهی کوتاه به این تلخیص ها کافی است که این موضوع بر ما آشکار گردد که او (انگلس) واقعاً از عهده ی این کار برآمده و یک کارموقتی ارائه نداده است: «آن را به تمام و کمال برسانم و البته اینکار را فقط اختصاصاً برای موقعیت فعلی انجام نمی دهم.» انگلس تنها فرصت داشت که چهار بخش اول جلد اول سرمایه را تلخیص کند. البته باید این موضوع را در نظر داشت که این جلد ابتدا به شش بخش تقسیم شده بود که در چاپ های بعدی بخش ها به قسمت تبدیل شدند، پنج بخش آن بدو قسمت تبدیل گردید و در نتیجه هفت قسمت بوجود آمد بهرحال چهار بخشی که توسط انگلس تلخیص گردیده است همان چهار بخش اول است که جلد اول سرمایه بود و اکنون نیز به همان شکل است. این را نیز باید در نظر داشت که مارکس مطالبی به چاپه های بعدی سرمایه افزوده و مطالبی را نیز در آنها تغییر داده است. برای مثال مارکس در

بخش اول که به کالاهای اختصاص دارد روی تمایز بین ارزش و ارزش مبادله به عنوان وجهی از آن تأمل بخصوصی ننموده. قسمت قابل توجهی از بیان شکل ارزش به عنوان ضمیمه در آخر جلد اول ارائه گردید که در تلخیص های انگلس وارد نشد.

تلخیص ها و نقدهائی که توسط انگلس انجام گردید کمک های غیرقابل وصفی برای مطالعه ی سرمایه بشمار می رود. در این تلخیص ها در اغلب موارد مطالب سرمایه با کلمات خود مارکس بیان گردیده است. مرکز ثقل تلخیص ها و همچنین نقدها در نظریه ی ارزش اضافی که همانا اساس دکتترین اقتصاد مارکس می باشد قرار گرفته است. انگلس نظریه ارزش اضافی مارکس را با دقت خاصی تلخیص نمود، و در آن با دقت شرایط تاریخی را که در آن بهره کشی سرمایه دار گسترش می یابد ترسیم نمود، طبقه ی کارگر اولین گام هایش را در این مبارزه برداشت و اولین دست و پنجه نرم کردن ها بین کار و سرمایه رخ داد. تلخیص های انگلس کمک بزرگی است که اساسی ترین موضوع را بر ملا سازد و نظر خوانندگان را به مهمترین مسائل تنوریکی معطوف می کند. به دنبال مارکس، انگلس در تلخیص هایش نشان می دهد که گذار از یک مرحله به مرحله ی دیگر روی دلیل خیالی نیست بلکه انعکاسی از یک پروسه ی واقعاً تاریخی تکامل است. انگلس در حالی که ترتیبی را که مارکس مرعی داشته در توصیف هایش رعایت می کند. به ما نشان می دهد که چطور در سیر تکامل تاریخ، سرمایه بر اساس تولید کالا بوجود می آید، چگونه تمام تولید را بخود وابسته می کند. چگونه و چقدر آسان تعاونی ساده به کارگاه ها و از آنجا به تولید ماشینی بدل گردید. انگلس همچنین نشان داد چگونه حاد شدن تضادهای طبقاتی نهفته در سرمایه داری و کاربرد ماشین توسط سرمایه دار باعث «بالاگرفتن و رشد عناصر سرنگون ساز جامعه قدیم و بوجود آورنده جامعه ی نوین است» یعنی به انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا منجر می شود.

سومین قسمت این مجموعه مقاله ای است که به صورت ضمیمه ای بر جلد سوم سرمایه نوشته شده است. این مقاله در آخرین سال حیات انگلس نوشته شده و بعد از مرگ او به چاپ رسیده است. انگلس بنابر خواست مارکس با کنار گذاشتن جلد دوم و سوم سرمایه، انتشار جلد اول آنرا به انجام رساند، چاپ سوم و چهارم جلد اول را نیز آماده و منتشر کرد و تا آنجا که مقدور بود کمک هائی به ترجمه این اثر به زبان های دیگر نمود. جلد سوم سرمایه در سال ۱۸۹۴ از مطبعه بیرون آمد. و ظهور آن بلافاصله بحث های داغی را برانگیخت. ثابت گردید که توطئه سکوتی که توسط بورژوازی هم در مورد نقدی بر اقتصاد سیاسی و هم در مورد جلد اول سرمایه بوجود آمده اسلحه ای بلا اثر بر عیله مارکسیسم در سال های ۹۰ بوده است. رشد جنبش های طبقه کارگر و توسعه ی سریع عقاید مارکس از بورژوازی شیوه های جدید جنگ را می طلبید. انگلس با دقتی کامل عکس العمل مطبوعات را در برابر جلد سوم سرمایه دنبال کرد. گرچه او دچار بیماری خاصی بود که ظالمانه رنجش می داد و به زودی نیز او را راهی گور نمود، ولی هرگز تا پایان کار خلاق و سازنده تنوریک اش را رها نکرد. در آخرین هفته های عمر، قلمش آخرین سطور اثر تابناکش، «ضمیمه ای بر سرمایه جلد سوم» را نگاشت، انگلس به این اثر در بعضی از نامه هایش اشاره کرده است. او در نامه ای به کائوتسکی در ۲۱ ماه مه ۱۸۹۵ چنین نوشت:

«حالا می خواهم یکی از نوشته هایم را برای تو بفرستم که در ننوزایت (NeueZeit) چاپ اش کنی.....»

ضمیمه و اضافاتی بر سرمایه، کتاب سوم، شماره ۱: قانون ارزش و نرخ سود، پاسخگوی تردیدهای زومبارت و اشمیدت است و شماره ۲ نیز به دنبال آن خواهد آمد: درباره ی نقش کاملاً دگرگون یافته و قابل توجه بورس (Bourse) از زمانی که مارکس در سال ۱۸۶۵ درباره ی آن نوشت، که بر طبق تقاضا و ایجاب وقت ادامه می یابد.»

انگلس موفق گردید که اولین بخش این دو قسمت را برای چاپ آماده کند. فقط طرحی کوتاه از تلخیص دوم، که توسط خود انگلس نوشته شده بود، باقی ماند. اولین قسمت بلافاصله پس از مرگ او در نوزایت به طبع رسید. خلاصه ی کوتاه «دگرگونی هائی در عملکرد مبادله» تا سال ۱۹۳۲ منتشر نگردید.

مقاله ی انگلس تحت عنوان قانون ارزش و نرخ سود، اضافاتی مهم بر جلد سوم سرمایه است و در عین حال بطور کلی اهمیت بسزائی در فهم صحیح نظریه ی اقتصاد مارکسیستی دارد. منقدین بیشمار کارهای مارکس سعی کردند کوهی از کاغذ بکار برند تا تضاد ادعائی میان جلد اول و سوم سرمایه را به اثبات برسانند. انگلس در مقاله اش هم دشمنان قسم خورده ی مارکسیسم و هم آتهائی که به لباس «دوستان» مارکسیسم در آمده بودند و ارزش را تا حد یک واقعیت منطقی (و. زومبارت W.Sombart) و یا در حد افسانه بافی تنوریک ناگریز (ک. اشمیدت C.SMIDT) پائین آورده بودند افشاء کرد. انگلس از این مطلب مارکس که ارزش نه تنها از نظر تنوریک بلکه از نظر تاریخی نیز مقدم بر (Prius) قیمت تولید\* است، پیدایش تاریخی ارزش را با ظهور و توسعه ی مبادله وگذار تاریخی ارزش به قیمت تولید در موقعی که تولید ساده ی کالائی توسط سرمایه داری ملغی می گردد، نشان می دهد. اهمیت مخصوص این مقاله در اینست که خیلی صریح چکیده ای از طبیعت تولید کالائی ساده و پروسه گذار از آن نوع تولید به تولید سرمایه داری را می دهد. انگلس قانون ارزش را به عنوان قانون حرکت تولید کالائی نشان می دهد. او طولانی بودن عصری را که قانون ارزش در آن دوره مؤثر است نشان می دهد. انگلس ظهور روابط سرمایه داری را در چند واقعیت تاریخی دنبال می کند و ثابت می کند که چگونه این روابط بر عرصه تولید حکمفرما می گردند. مقاله ی انگلس نمونه با شکوهی از توضیح نبوغ آمیز ماتریالیستی در مورد نظریه ی ارزش مارکس است. و

---

\* Prica of Production

هنوز نیز چون سلاحی موثر در مبارزه با تمام نظریه های ایده آلیستی که برای بی اعتبار کردن مارکسیسم نوشته شده اند بکار می رود.

همانطور که در بالا گفته شد، دومین قسمت اینکار، که آخرین اثر اقتصادی انگلس محسوب می شود به شکل یک طرح ماهرانه بر جا ماند. در آن انگلس خود را موظف می نماید تا تغییرات و تکامل اقتصاد سرمایه داری را در ثلث آخر قرن نوزدهم خلاصه کند.

آن سال ها دوران گذار از سرمایه داری قدیمی متعلق به عصر رقابت آزاد به امپریالیسم سرمایه داری انحصاری- است که مشخصه آن رشد غول آسا و حاد شدن تضادهای سیستم سرمایه داری است. بررسی مارکسیستی امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله ی سرمایه داری توسط نینن ارائه گردید، که ادامه کار مارکس و انگلس بود و مارکسیزم را به مرحله نوین و بالاتر سوق داد. نینن بر پایه ی مطالعات مارکس در قوانین بنیادی گسترش تولید سرمایه داری که در سرمایه ارائه شده نظریه امپریالیسم به مثابه مرحله جدید و نهانی سرمایه داری را فرمول بندی کرد. وی زخم ها و تناقضاتی را نشان داد که سرمایه داری را می خورند، و چاره ناپذیری سقوط آن و پیروزی انقلاب پرولتاریائی را آشکار ساخت.

انگلس نمی توانست خصوصیات مرحله ی تاریخی جدید در رشد سرمایه داری را نشان دهد چرا که او آنقدر زندگی نکرد تا زمانی را که در آن امپریالیسم کاملاً شکل گرفت، ببیند. در پیش نویس مقاله در مورد مبادله، او خیلی ساده به بعضی پدیده های جدید در اقتصاد کشورهای سرمایه داری اشاره نمود. بدون اینکه مسأله مرحله ی جدید توسعه سرمایه داری را مطرح کند. او گسترش اشکال مختلف شرکت های سهامی را در فعالیت های اقتصادی عظیم تبدیل سرمایه گذاری های فردی به شرکت های سهامی، تمرکز و آمیختگی سرمایه های بزرگ را در تمام شعب و بالاخره ظهور انحصارات را ملاحظه و بررسی نمود. انگلس به عنوان نمونه ای از

یک انحصار بزرگ، از تراست یونایتد آکالی انگلیسی\* با سرمایه ۶ میلیون پوند که برای آن زمان مبلغی خارق العاده بود نام می برد. انگلس دو سرمقاله ای که بر بخش بیست و هفتم جلد سوم کتاب سرمایه نگاشت نیز از انحصارات صحبت نمود، که در مجموعه حاضر به عنوان ضمیمه ارائه گردیده است. در دو نتیجه ای که انگلس از طرح خود می گیرد، مسأله صدور سرمایه و تقسیمات دنیای استعماری را مطرح می نماید.

انستيو مارکسیسم- لنینیسم

زیر نظر کمیته ی مرکزی حزب

کمونیزست اتحاد شوروی

---

\* English United Alkali Trust